

## عدم انطباق روش تدریس دبیران درس «دین و زندگی» پایه سوم متوسطه با کتاب راهنمای تدریس<sup>۱</sup>

حسن اسلامیان\*

محمود سعیدی رضوانی\*\*

مقصود امین خندقی\*\*\*

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین میزان انطباق روش تدریس دبیران درس دین و زندگی پایه سوم متوسطه با کتاب راهنمای تدریس و از طریق روش توصیفی-پیمایشی، انجام گردید. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دبیران رسمی مرد درس دین و زندگی پایه سوم متوسطه شهر مشهد بوده که پس از انتخاب ناحیه دو آموزش و پرورش شهر مشهد و با استفاده از روش سرشماری در نمونه گیری، کلاسهای تدریس همه دبیران درس دین و زندگی پایه سوم متوسطه در هر ۹ دبیرستان پسرانه این ناحیه طی ۳۹ جلسه مورد مشاهده و ارزیابی دقیق قرار گرفت و برای تکمیل اطلاعات پژوهش با همه دبیران مصاحبه انجام شد. نتایج نشان داد که در ارتباط با مولفه‌های کلیات و تمهیدات، میزان انطباق فعالیت‌های دبیران با توصیه‌های کتاب راهنمای تدریس در هیچ یک از موارد در حد مطلوبی نیست و نیز انطباق فعالیت‌های دبیران و مشارکت دانش‌آموزان در بخش سازماندهی فعالیت‌های یاددهی-یادگیری با توصیه‌های کتاب راهنمای تدریس در بیشتر موارد در حد مطلوبی نبود. همچنین اکثر دبیران اظهار داشتند که آگاهی، تسلط و استفاده آنان از کتاب راهنمای تدریس بسیار کم است. در مجموع، یافته‌ها نشان داد که از روش تدریس توصیه شده در راهنمای تدریس تا حد زیادی غفلت شده است. این امر اثربخشی برنامه درسی درس «دین و زندگی» را با چالشی جدی مواجه می‌سازد. **واژگان کلیدی:** روش تدریس، راهنمای تدریس، ارزیابی استاندارد، ارزیابی سهلگیرانه، سازماندهی فعالیت‌ها، یاددهی-یادگیری.

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی درسی از دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد.

\*\* دانشجوی دکتری رشته برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه اصفهان، مدرس دانشگاه پیام نور

Email: eslamian.1362@yahoo.com

\*\* دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

Email: saeedy@ferdowsi.um.ac.ir

\*\* عضو هیئت علمی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

## مقدمه

صاحب‌نظران بر این باورند که: «آموزش و پرورش مهم‌ترین عاملی است که بر جامعه تأثیر می‌گذارد، جامعه را هدایت می‌کند و همراه با تغییرات و تحولات در سرتاسر جهان متأثر می‌شود؛ بر این اساس، ضروری است که برنامه‌های آموزش و پرورش به موازات این تحولات و با توجه به الزامات جامعه سازماندهی شوند» (گل‌تکینا،<sup>۱</sup> ۲۰۱۰، ص ۲۷۴۴). بنابراین، از رهگذر ایجاد تحول و تعالی در برنامه‌های درسی، نسل تحت تربیت توانمند می‌شود و همان‌طور که قائد محمدی (۱۳۸۵، ص ۹۷) می‌گوید: «توانمندسازی و سرمایه‌گذاری جهت تجهیز نوجوانان به دانش و آگاهی‌های مورد نیاز می‌تواند تأثیرات شایان توجهی در مراحل زندگی آنان داشته باشد و راهی مؤثر برای مقابله با تهدیداتی تلقی شود که آنان را به سوی خود می‌کشاند»؛ از این رو، یکی از عمده‌ترین وظایف نظام‌های آموزشی، تجهیز دانش‌آموزان به دانش روز و مقابله با تهدیداتی است که نسل جوان در معرض آنها قرار دارند و در این میان، تعلیم و تربیت دینی، همان‌طور که رهبری‌نژاد (۱۳۷۳، ص ۱۷) اشاره می‌کند، امری خطیر، مقدس و در عین حال پیچیده و از حساسیت خاصی برخوردار است و مستلزم دارا بودن مهارت و آگاهی بیشتری نسبت به سایر موضوعات تربیتی می‌باشد. آموزش دینی، برخلاف آموزش‌های دیگر که برای ابعاد محدودی از ابعاد وجودی انسان است، با کل زندگی انسان سروکار دارد و هدف نهایی آن ایجاد تغییر در بینش‌ها، نگرش‌ها، علایق، عادات و کلام است و در یک کلام، موجب سازندگی شخصیت اوست (سادات، ۱۳۷۳، ص ۱). دیکسون<sup>۲</sup> (۲۰۰۱، ص ۳۰۳) معتقد است: «اگر معلم‌ان یک جامعه از مهارت کافی در روش‌های مناسب آموزشی برخوردار باشند؛ با ایجاد انگیزه، کار و فعالیت خواهند توانست که هدف‌های نظام آموزشی را با کیفیت بهتر تحقق بخشند و بهره‌وری آموزش را افزایش دهند»؛ بنابراین، برای نیل به اهداف تربیت دینی، دارا بودن معلم دینی توانمند و ماهر، شرط لازم (و شاید با توجه به ماهیت تربیت دینی شرط لازم و کافی!) است.

در نظام آموزشی ما که نظام برنامه‌ریزی درسی متمرکز حاکم است؛ فرایند تدریس درس «دین و زندگی» در مقطع متوسطه - به عنوان یکی از ابزارهای عمده پیش‌بینی شده برای تربیت دینی - با نظارت وزارت آموزش و پرورش و توسط کارشناسان و مؤلفان کتاب مذکور در قالب چهار کتاب راهنمای تدریس در پایه‌های چهارگانه متوسطه و پیش‌دانشگاهی، به منزله برنامه درسی قصد شده و برای استفاده دبیران تدوین شده است. در این کتاب‌ها؛ از جمله در کتاب راهنمای تدریس پایه سوم

1. Gultekina

2. Dixon

متوسطه - که موضوع این تحقیق است - تک تک فعالیت‌هایی که یک دبیر در راستای تدریس درس «دین و زندگی» باید انجام دهد، پیش‌بینی شده و جهت اجرا به دبیران این درس توصیه شده است. این کتاب دارای سه قسمت است:

**الف) کلیات؛** شامل توضیح اهداف کلی، اهداف آموزشی، پیش‌دانسته‌ها، اصطلاحات علمی درس، ارتباط با دروس قبلی و محورهای اصلی درس است و دبیران می‌توانند با آگاهی و استفاده از توصیه‌ها و با مطالعه آنها (قبل از تدریس)، برای تدریس درس آماده شوند.

**ب) سازماندهی فعالیت‌های یاددهی-یادگیری؛** شامل تشریح کامل فعالیت‌های آماده‌سازی و ایجاد انگیزه، مراحل تدریس (قرائت و ترجمه، طرح، تشریح و تبیین مطالب درس، فعالیت‌های تطبیق، نمونه‌یابی، کشف رابطه، جستجو و...)، تمرین‌ها و فعالیت‌های پایانی (اندیشه و تحقیق، پیشنهاد) و ارزشیابی از میزان یادگیری که برای استفاده دبیران در کلاس ارائه شده است.

**ج) تمهیدات؛** شامل دانستنی‌های ضروری و منابع توصیه شده برای تدریس هر کدام از درس‌های کتاب «دین و زندگی» است که دبیران می‌توانند با آگاهی و استفاده از آنها، به ارائه مطلوب درس پردازند.

بنابراین، کتاب راهنمای تدریس برای هر یک از دروس، از مرحله طراحی تدریس و آمادگی برای آن مرحله اجرایی (داخل کلاس درس) و مرحله ارزیابی تدریس، به طور کاملاً تفصیلی و گام‌به‌گام، دستورالعمل اجرایی ارائه کرده است. با توجه به اینکه درس «دین و زندگی» از دروس تحول‌یافته نظام آموزشی و حاصل پژوهش‌ها، کارشناسی‌ها و جلسات متعدد در طول سالیان متمادی از حدود سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ است، مؤلفان و برنامه‌ریزان مذکور تلاش داشته‌اند که با روشن کردن تمامی ابعاد تدریس این درس برای دبیران، از اجرای ضعیف مفاد برنامه درسی «دین و زندگی» در مرحله تدریس جلوگیری نمایند تا در نتیجه بُعد «فعالیت‌مداری»، «مشارکت‌جویی» و «مبتنی بودن بر بحث گروهی و سایر روش‌های فعال» در این نسخه - در مقایسه با نسخه‌های پیشین درس بینش اسلامی دوره متوسطه - که نقطه عطف آن است، به زوال نرود. با توجه به این مسئله؛ پژوهش حاضر، فارغ از برنامه کسب شده، بر این نکته تأکید می‌کند که تا چه حدی دبیران درس «دین و زندگی» به توصیه‌های مؤلفان در مورد چگونگی تدریس توجه کرده‌اند.

نکته قابل توجه آن است که به‌رغم وجود برخی نقطه‌نظرات علمی راجع به ضرورت آزادی عمل بیشتر معلمان، تجارب کارشناسی دست‌اندرکاران آموزش و پرورش نشان می‌دهد که در صورت مشخص نشدن مراحل تدریس (عدم تدوین کتاب راهنمای تدریس)، معلمان به روش‌های سنتی و غیرفعال‌گرایش بیشتری می‌یابند و عملاً برنامه‌هایی مانند برنامه درسی «دین و زندگی» که عنصر فعالیت و مشارکت دانش‌آموزان در آن بسیار اساسی است، به سرعت به برنامه‌ای عقیم تبدیل

می‌شود؛ بنابراین، تأکید بر انطباق فرایندهای موجود تدریس دبیران با توصیه‌های راهنمای تدریس؛ در واقع، گامی در جهت بنا نهادن برنامه اجرا شده، براساس برنامه قصد شده است که از نظر منطقی تنها راه تحقق اهداف قصد شده می‌باشد.

با توجه به آنچه راجع به مسئله تحقیق و ساختار راهنمای تدریس «دین و زندگی» بیان شد، سؤالات پژوهشی به قرار زیر است:

۱. دبیران درس «دین و زندگی» پایه سوم متوسطه به چه میزان در ارتباط با مؤلفه کلیات درس، مطابق با فعالیت‌های توصیه شده در راهنمای تدریس عمل می‌کنند؟
۲. دبیران مذکور، به چه میزان در سازماندهی فعالیت‌های یاددهی - یادگیری، مطابق با فعالیت‌های توصیه شده در راهنمای تدریس عمل می‌کنند؟
۳. دبیران مزبور، به چه میزان در ارتباط با مؤلفه تمهیدات درس «دین و زندگی» پایه سوم متوسطه، مطابق با فعالیت‌های توصیه شده در راهنمای تدریس عمل می‌کنند؟
۴. دیدگاه‌های دبیران یاد شده، در رابطه با میزان مطلوبیت و استفاده از کتاب راهنمای تدریس چیست؟

### پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مختلفی در ارتباط با روش‌های تدریس معلمان در داخل و خارج از کشور انجام شده است که در پژوهش حاضر با بررسی مجموعه زیادی از تحقیقات انجام شده، پنج زمینه پژوهشی در ارتباط با این تحقیقات شناسایی و استخراج گردید که در ذیل به معرفی آنها و صرفاً به بیان نمونه‌هایی از تحقیقات در ارتباط با هر یک زمینه‌های مورد نظر اشاره می‌شود.

۱. پژوهش‌هایی که ناظر بر مقایسه روش‌های تدریس فعال و سنتی هستند و به نوعی بر رجحان روش‌های فعال اشاره دارند؛ مانند: پژوهش‌های اسلامیان، سعیدی و فاتحی (۱۳۹۰)، ساموئلسون<sup>۱</sup> (۲۰۰۸)، جانسون و میقتن<sup>۲</sup> (۲۰۰۵)، میگل<sup>۳</sup> (۱۹۹۶)، رابرت، اندورف، کاتلین و گریگوری<sup>۴</sup> (۲۰۰۵)، گارساید<sup>۵</sup> (۱۹۹۶)، صحرانورد (۱۳۸۰)، سلبی، والکر و دیواکر<sup>۶</sup> (۲۰۰۷)، هانت، هایدت، کوردال و ریچارد<sup>۷</sup> (۲۰۰۳).

---

1. Samuelsson  
 2. Johnson, Mighten  
 3. Migel  
 4. Rabert, Endorf, Katlin & Gerigory  
 5. Garside  
 6. Selby, Walker & Diwaker  
 7. Hunt, Haidet, Coverdale & Richards

۲. پژوهش‌هایی که ناظر بر بررسی و تشخیص روش‌های تدریس مورد استفاده توسط معلمان در دروس و موضوعات مختلف می‌باشند؛ مانند: پژوهش‌های علیزاد سردرود (۱۳۸۷)، رجبلو (۱۳۷۵)، بنجامین<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) و ویرسما<sup>۲</sup> (۲۰۰۸).
۳. پژوهش‌هایی که ناظر بر میزان استفاده معلمان از روش‌های تدریس خاص می‌باشند؛ مانند: پژوهش‌های عرفان شهر رضا (۱۳۷۸) و راستگو (۱۳۸۳).
۴. پژوهش‌هایی که ناظر بر بررسی رابطه بین روش‌های تدریس معلمان و متغیرهای دیگر هستند؛ مانند: پژوهش‌های وبر<sup>۳</sup> (به نقل از میرحسینی، ۱۳۷۶)، بایت و کیپساگت<sup>۴</sup> (به نقل از صادقی، ۱۳۸۹) و وال<sup>۵</sup> (۲۰۰۷).
۵. پژوهش‌هایی که ناظر بر بررسی موانع استفاده از روش‌های تدریس مناسب می‌باشند؛ مانند: پژوهش‌های رعیت رستمی (۱۳۷۶) و مهدی‌پور و همکاران (۱۳۸۷).
۶. پژوهش‌های ناظر بر ارزیابی برنامه‌های اجرا شده از طریق مقایسه با برنامه‌های قصد شده که معمولاً حاکی از عدم توجه به برنامه‌های قصد شده در صحنه عمل بوده‌اند. با توجه به اینکه مطالعه حاضر نیز در زمره این طبقه می‌باشد، پیشینه مربوط با تفصیل بیشتری ارائه شده است. احمدی (۱۳۸۰)، در بررسی میزان هماهنگی و همخوانی میان سه برنامه درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده علوم دوره ابتدایی دریافت که با وجود آنکه برنامه درسی علوم تجربی، طراحی مناسبی داشته است اما در مرحله اجرا با مشکلات بسیاری؛ مانند ناکافی بودن آموزش معلمان، عدم دسترسی به امکانات و تجهیزات مورد نیاز برای آموزش و... روبه‌رو بوده است. اخلاقی (۱۳۸۳)، با هدف ارائه یک تصویر کلی از میزان همخوانی و برنامه درسی قصد شده و اجرا شده مطالعات اجتماعی با توجه به چهار عنصر عمده آن (هدف، محتوا، روش و ارزشیابی) و با استفاده از داده‌های مشاهدات کلاسی و پرسشنامه‌ها دریافت که در زمینه روش‌های یاددهی یادگیری و روش‌های ارزشیابی، برنامه درسی اجرا شده مطابق با اهداف برنامه درسی قصد شده نمی‌باشد.
- لنگرودی (۱۳۸۸)، در مطالعه‌ای به بررسی و تحلیل مقایسه‌ای برنامه درسی اجرا شده کارورزی مدیریت آموزشی با برنامه درسی مطلوب آن از نظر استادان رشته مدیریت و برنامه‌ریزی

1. Benjamin

2. Wiersma

3. Weber

4. Boit &amp; Kipsugut

5. Vall

آموزشی پرداخت. یافته‌های پژوهش نشان داد که از دیدگاه استادان، بین عناصر نه‌گانه برنامه درسی اجرا شده کارورزی با برنامه درسی مطلوب تفاوت معنادار وجود دارد. مجل جوبقلو (۱۳۸۷) نیز در پژوهشی به بررسی برنامه درسی اجرا شده مقطع ابتدایی نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران پرداخت.

بخشی از نتایج این پژوهش نشانگر آن بود که فعالیت‌های یاددهی-یادگیری انجام شده توسط معلمان در ارتقای رفتارهای شهروندی از حد متوسط پایین‌تر بوده است و طراحی و اجرای برنامه‌های مکمل برنامه درسی تربیت شهروندی در مدارس ابتدایی در حد قابل قبول نمی‌باشد. صادقی اول (۱۳۸۹)، در تحقیقی وضعیت برنامه درسی اجرا شده در درس ریاضیات پایه چهارم ابتدایی را بررسی کرد. در این تحقیق در ۷۲ کلاس رفتار معلمان با استفاده از روش مشاهده فاندروز و چک لیست محقق ساخته ارزیابی شد. نتایج تحقیق حاکی از این بود که معلمان برخلاف برنامه درسی توصیه شده، بیشتر روش‌های مستقیم و غیرفعال را به کار می‌برند.

بکالو و ولفورد<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) نیز در پژوهشی به بررسی میزان تطابق برنامه درسی قصد شده و اجرا شده در چهار دبیرستان علوم طبیعی اتیوپی (در هشتاد کلاس درس) پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که تعاملات کلاسی، روش تدریس معلمان و ارزشیابی‌های پایانی، مانع از تحقق اهداف برنامه درسی قصد شده‌اند. مجموع مشاهدات و مصاحبه‌های پژوهش مزبور نشان‌دهنده تطابق نداشتن برنامه درسی قصد شده و برنامه درسی اجرا شده بود.

در پایان این بخش، متذکر می‌شود که مرور پژوهش‌های محدود راجع به درس «دین و زندگی»؛ مانند پژوهش‌های میرعارفین (۱۳۸۵) و علی‌رضایی (۱۳۸۵) نشان می‌دهد که این مطالعات به برنامه درسی اجرا شده و تدریس این درس کمتر پرداخته‌اند. پژوهش‌های مذکور عمدتاً ناظر بر تحلیل محتوای کتاب‌های «دین و زندگی» و اعتبار آن از نظر صاحب‌نظران بوده است.

### روش پژوهش

هدف پژوهش حاضر، بررسی میزان انطباق روش تدریس دبیران درس «دین و زندگی» پایه سوم متوسطه شهر مشهد با کتاب راهنمای تدریس این درس بوده است. روش تحقیق؛ از حیث هدف، کاربردی و از حیث روش، توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش؛ شامل همه دبیران رسمی مرد درس «دین و زندگی» پایه سوم متوسطه شهر مشهد بود که بدین منظور ناحیه دو آموزش

1. Bekalo, Welford

و پرورش شهر مشهد انتخاب و با استفاده از روش سرشماری در نمونه‌گیری (در هر نُه دبیرستان پسرانه این ناحیه)، کلاس‌های تدریس هر سیزده دبیر درس «دین و زندگی» پایه سوم متوسطه مورد مشاهده دقیق قرار گرفت؛ نمونه انتخابی از بین درس‌های کتاب «دین و زندگی» پایه سوم متوسطه، درس‌های چهارم، پنجم و ششم بود؛ یعنی در زمان مشاهده تدریس دبیران توسط مشاهده‌گر، دبیران مذکور مشغول تدریس این سه درس بودند و بنابراین، تقریباً نیمی از ترم تحصیلی پوشش داده شد. قابل ذکر است که در این پژوهش، فرایند تدریس دبیران در درس چهارم، هفت جلسه؛ در درس پنجم، ۲۱ جلسه؛ در درس ششم، یازده جلسه و مجموعاً ۳۹ جلسه تدریس مورد مشاهده قرار گرفت؛ بنابراین، در مجموع ۳۳۹۳ آیتم یا رفتار در روش‌های تدریس معلمان در کلاس‌های مذکور، از حیث میزان انطباق با برنامه قصد شده (راهنمای تدریس) ارزیابی شد.

برای تدوین چک‌لیست مشاهده، گویه‌های متناسب با تک‌تک مراحل جزئی تدریس، گزینه‌های (اجرا شدن، اجرا شدن ناقص یا اجرا نشدن) تدوین و در «چک‌لیست» درج شد. برای پاسخ به سؤالات یک و سه از فرم مصاحبه «آزمون‌گونه» محقق ساخته و به صورت ساختاریافته استفاده شد؛ توضیح آنکه، به دلیل قابل مشاهده نبودن میزان استفاده معلمان از توصیه‌های ارائه شده در کتاب راهنمای تدریس در ارتباط با دو مؤلفه کلیات و تمهیدات، از مصاحبه استفاده شد و بدین منظور سؤالاتی در ارتباط با محورهای دو مؤلفه کلیات و تمهیدات طراحی شد و با انجام مصاحبه با دبیران در فضایی صمیمانه، به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته شد؛ به عنوان مثال، از دبیران سؤال شد که به نظر شما بخش «تمهیدات» با «کلیات» چه تفاوتی دارد؟ و براساس پاسخ دبیر مصاحبه شده، تشخیص داده شد که فرد تا چه حد به محتوای کتاب راهنمای تدریس مسلط است.

برای پاسخ به سؤال چهارم پژوهش، از مصاحبه (تا حدی آزاد) راجع به چگونگی آگاهی و استفاده از راهنمای تدریس در مورد مزایا و معایب آن استفاده شد. در این مصاحبه، سؤالاتی ناظر بر چگونگی دسترسی دبیران به کتاب راهنمای تدریس، احساس نیاز آنان به راهنما، تعداد دفعات مراجعه به راهنما و مواردی نظیر آن سؤال شد.

برای تعیین روایی چک‌لیست مشاهده و فرم‌های مصاحبه محقق ساخته، از داوری تخصصی پنج نفر از صاحب‌نظران علوم تربیتی، دو نفر از کارشناسان ستاد اعتلای دروس دینی و قرآن و پنج نفر از دبیران مجرب و مورد تأیید ستاد اعتلای دروس دینی و قرآن که به عنوان دبیران نمونه این درس بودند، استفاده شد. ضمناً پایایی چک‌لیست مشاهده از طریق روش پایایی مصحح محاسبه شد و برای آن، دو مشاهده‌گر به طور همزمان در کلاس‌های درس حضور یافتند و پنج بار (به‌طور

همزمان و مستقل)، فرایند تدریس تعدادی از دبیران را مورد مشاهده و قضاوت قرار دادند. در مجموع، در پنج نوبتی که دو مشاهده‌گر به طور همزمان فرایند تدریس دبیران را مورد مشاهده قرار دادند، مجموعاً ۱۷۸ آیتم یا رفتار، مورد مشاهده قرار گرفت که میزان همبستگی مشاهدات انجام شده توسط دو مشاهده‌گر در مجموع ۱۷۸ آیتم، با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن،  $0/89$  به دست آمد که همبستگی بالا و قابل قبولی است.

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات چک لیست مشاهده؛ در مرحله اول، از محاسبه درصد انجام دستورالعمل کتاب راهنمای تدریس توسط دبیران و دانش‌آموزان در هر یک از گویه‌ها استفاده شد؛ یعنی مشخص شد که چند درصد از دبیران در هر گویه دستورالعمل را اجرا کرده‌اند و در تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها در ارتباط با مؤلفه‌های کلیات و تمهیدات (سؤالات اول و سوم)، در هر یک از سؤالات مصاحبه، نسبت پاسخ‌های کامل، نسبتاً کامل و نادرست دبیران (براساس توصیه‌ها و دستورالعمل‌های کتاب راهنمای تدریس) محاسبه گردید؛ در مرحله بعدی، برای ارزیابی میزان انطباق فعالیت‌های دبیران و دانش‌آموزان با توصیه‌های کتاب راهنمای تدریس در ارتباط با سه مؤلفه فوق‌الذکر، از جداول استاندارد مطلوبیت استفاده شد و با دوگونه «استاندارد (سختگیرانه)» و «سهلگیرانه» به ارزیابی میزان انطباق فعالیت‌های دبیران با توصیه‌های کتاب راهنمای تدریس مبادرت شد و همچنین، برای تحلیل داده‌های مرتبط با سؤال چهارم پژوهشی حاصل از مصاحبه با دبیران، در ارتباط با میزان آگاهی و استفاده آنها از فرایند تدریس توصیه شده و نیز نظر آنان درباره میزان مطلوبیت فرایند تدریس توصیه شده، در کتاب راهنمای تدریس از روش نسبت‌گیری و تا حدی تحلیل داده‌های کیفی استفاده شد؛ یعنی، علاوه بر اینکه درصد افراد استفاده کننده بنا به اظهار خودشان لحاظ شد، نوع اظهارنظر (گفتار غیرکلامی) آنان نیز مورد توجه قرار گرفت.

برای طراحی و تولید جداول استاندارد مطلوبیت، از نظرات استادان رشته علوم تربیتی، دبیران مورد تأیید ستاد اعتلای درس دینی و قرآن، و دیدگاه‌های کارشناسان ستاد اعتلای درس دینی و قرآن شهر مشهد استفاده شد و براساس آن به ارزیابی میزان مطلوبیت انطباق فعالیت‌های دبیران (و دانش‌آموزان) با توصیه‌های کتاب راهنمای تدریس پرداخته شد. جداول طراحی شده برحسب نوع فعالیت‌ها، به قرار زیر بوده‌اند:



جدول ۱: استاندارد ارزیابی میزان انطباق فعالیت‌های اجباری دبیران و دانش‌آموزان با کتاب راهنمای تدریس

استاندارد				نشانهگر	ملاک
$0 \leq x \leq 30$ درصد	$30 < x \leq 50$ درصد	$50 < x \leq 80$ درصد	$80 < x \leq 100$ درصد	درصد دبیران عمل‌کننده به دستورالعمل کتاب راهنمای تدریس	انجام دستورالعمل براساس کتاب راهنمای تدریس
-	+	- +	+ +		
نامطلوب	نسبتاً نامطلوب	نسبتاً مطلوب	مطلوب		

جدول ۲: استاندارد ارزیابی میزان انطباق فعالیت‌های اختیاری دبیران و دانش‌آموزان (مانند: استفاده از بخش برای مطالعه در تدریس، استفاده از نوار آموزشی جهت قرائت قرآن و...)

استاندارد				نشانهگر	ملاک
$0 \leq x \leq 20$ درصد	$20 < x \leq 40$ درصد	$40 < x \leq 60$ درصد	$60 < x \leq 100$ درصد	درصد عمل دبیران به دستورالعمل کتاب راهنمای تدریس	انجام دستورالعمل براساس کتاب راهنمای تدریس
-	+	- +	+ +		
نامطلوب	نسبتاً نامطلوب	نسبتاً مطلوب	مطلوب		

جدول ۳: استاندارد ارزیابی میزان انطباق پاسخ‌های دبیران به سؤالات مربوط به مؤلفه‌های کلیات و تمهیدات

استاندارد				نشانهگر	ملاک
$0 \leq x \leq 30$ درصد	$30 < x \leq 50$ درصد	$50 < x \leq 80$ درصد	$80 < x \leq 100$ درصد	درصدی از دبیران که به سؤالات پاسخ درست داده‌اند	پاسخ درست دبیران به سؤالات براساس توصیه‌های ارائه شده در کتاب راهنمای تدریس
-	+	- +	+ +		
نامطلوب	نسبتاً نامطلوب	نسبتاً مطلوب	مطلوب		

لازم به ذکر است که با توجه به پیچیدگی‌های موجود در تفسیر داده‌های ارزشیابی براساس

راهنمای تدریس به ناچار از دو سطح ارزیابی به قرار زیر استفاده شد:

۱. ارزیابی استاندارد (یا سختگیرانه): رویکرد اصلی برای ارزیابی میزان انطباق فعالیت‌های دبیران با توصیه‌های ارائه شده در کتاب راهنمای تدریس، ارزیابی استاندارد (یا سختگیرانه) بوده است که در داده‌های مربوط به چک لیست‌های مشاهده کلاسی براساس ستون کاملاً مشاهده شد، و در ارزیابی میزان انطباق پاسخ‌های دبیران به سؤالات مربوط به مؤلفه‌های کلیات و تمهیدات

براساس ستون پاسخ کامل، قضاوت شد؛ یعنی به پاسخ‌های کاملاً مشاهده شد، ضریب یک و به پاسخ‌های دو گزینه دیگر ضریب صفر اختصاص داده شد.

۲. ارزیابی سهلگیرانه: برای ارزیابی میزان انطباق فعالیت‌های دبیران با توصیه‌های ارائه شده در کتاب راهنمای تدریس، علاوه بر ارزیابی استاندارد (یا سختگیرانه) از ارزیابی سهلگیرانه نیز استفاده شد؛ در این نوع ارزیابی، داده‌های مربوط به به چک لیست‌های مشاهده کلاسی به این صورت محاسبه شد که برای ستون کاملاً مشاهده شد، ضریب یک؛ برای ستون شواهد کمی مشاهده شد، ضریب ۰/۵ و برای ستون شواهدی مشاهده نشد، ضریب صفر در نظر گرفته شد و در ارزیابی میزان انطباق پاسخ‌های دبیران به سؤالات مربوط به مؤلفه‌های کلیات و تمهیدات، برای ستون پاسخ کامل، ضریب یک، برای ستون پاسخ نسبتاً کامل، ضریب ۰/۵ و برای ستون پاسخ نادرست یا عدم پاسخ، ضریب صفر در نظر گرفته شد. سپس درصدی که از جمع این محاسبه به دست می‌آید، براساس جدول استاندارد سهلگیرانه، مورد قضاوت قرار گرفت.

### یافته‌های پژوهش

سؤال اول پژوهش: دبیران درس «دین و زندگی» پایه سوم متوسطه به چه میزان در ارتباط با مؤلفه کلیات درس، مطابق با فعالیت‌های توصیه شده در کتاب راهنمای تدریس عمل می‌کنند؟

تذکر: در ارتباط با این سؤال، سه جدول برای دروس چهارم، پنجم و ششم کتاب «دین و زندگی» پایه سوم متوسطه؛ همانند جدول درس چهارم که در زیر آمده است، طراحی گردید. در این مقاله، به دلیل حجم زیاد کار فقط به درج جدول درس چهارم و اهم یافته‌های این سه جدول اکتفا گردید.

جدول ۴: خلاصه نتایج مربوط به پاسخ دبیران به سؤالات مربوط به مؤلفه کلیات در درس چهارم (مصاحبه آزمون گونه)

عنوان سؤال	پاسخ کامل	نسبتاً کامل	نادرست یا عدم پاسخ	ارزیابی استاندارد	ارزیابی سهلگیرانه
آگاهی از مفهوم کلیات	۱۱/۲	۲۲/۲	۶۶/۶	-	-
تفاوت بین کلیات و تمهیدات	۱۱/۲	۲۲/۲	۶۶/۶	-	-
آگاهی از پیش‌دانسته‌های درس	۵۵/۵	۱۱/۲	۳۳/۳	-	+
مطالعه پیش‌دانسته‌های توصیه شده	۳۳/۳	۱۱/۲	۵۵/۵	+	-
آگاهی از اهداف کلی و آموزشی درس	۶۶/۶	۲۲/۲	۱۱/۲	-	+
آگاهی از چگونگی ارتباط بین آیات درس و محتوای درس	۴۴/۴	۲۲/۲	۳۳/۳	+	-

یافته‌های فوق، حاکی از آن است که براساس ارزیابی استاندارد (سختگیرانه)، میزان انطباق پاسخ‌های دبیران در مورد «آگاهی از پیش‌دانسته‌های درس»، «آگاهی از چگونگی ارتباط بین محتوا و آیات درس» و «آگاهی از اهداف کلی و آموزشی درس» با توصیه‌های کتاب راهنمای تدریس در حد نسبتاً مطلوبی بوده است. میزان انطباق فعالیت‌های دبیران در مورد مطالعه پیش‌دانسته‌های توصیه شده، با توصیه‌های کتاب راهنمای تدریس در حد نسبتاً نامطلوب و در سایر موارد (آگاهی از مفهوم کلیات، تفاوت بین کلیات و تمهیدات)، میزان انطباق پاسخ‌های دبیران با توصیه‌های کتاب راهنمای تدریس در حد نامطلوبی بوده است؛ همچنین، براساس ارزیابی سهلگیرانه، میزان انطباق پاسخ‌های دبیران در رابطه با آگاهی از چگونگی ارتباط بین آیات درس و محتوای درس، با توصیه‌های کتاب راهنمای تدریس در حد نسبتاً مطلوب بوده است و در سایر موارد، نتایج ارزیابی سهلگیرانه همانند نتایج ارزیابی استاندارد (سختگیرانه) بوده است.

در درس پنجم، براساس ارزیابی استاندارد و سهلگیرانه، در مصاحبه‌های انجام شده با دبیران در رابطه با مؤلفه کلیات، میزان انطباق پاسخ‌های دبیران با توصیه‌های کتاب راهنمای تدریس در آگاهی از مفهوم کلیات، آگاهی از چگونگی ارتباط بین آیات درس و محتوای درس، در حد نسبتاً مطلوب و در بقیه موارد در حد نامطلوبی بوده است؛ در نتیجه در هیچ‌یک از موارد، میزان انطباق پاسخ‌های دبیران با توصیه‌های کتاب راهنمای تدریس در حد مطلوبی نبوده است.

در درس ششم، براساس ارزیابی استاندارد در مصاحبه‌های انجام شده با دبیران در رابطه با مؤلفه کلیات، میزان انطباق پاسخ‌های دبیران با توصیه‌های کتاب راهنمای تدریس، در آگاهی از اهداف کلی و آموزشی درس، در حد نسبتاً نامطلوب و در بقیه موارد، در حد نامطلوبی بوده است. براساس ارزیابی سهلگیرانه در مصاحبه‌های انجام شده با دبیران در رابطه با مؤلفه کلیات، میزان انطباق پاسخ‌های دبیران با توصیه‌های کتاب راهنمای تدریس در آگاهی از مفهوم کلیات، در حد نسبتاً نامطلوب و در بقیه موارد، در حد نامطلوبی بوده است؛ در مجموع، در مصاحبه‌های انجام شده با دبیران در رابطه با مؤلفه کلیات در درس ششم، براساس ارزیابی استاندارد و سهلگیرانه در هیچ‌یک از موارد فوق، میزان انطباق پاسخ‌های دبیران با توصیه‌های کتاب راهنمای تدریس در حد مطلوبی نبوده است.

به طور کلی، ملاحظه می‌شود که به جز دو مورد «آگاهی از پیش‌دانسته‌های درس» و «آشنایی با اهداف کلی و آموزشی درس» مربوط به درس چهارم، در بقیه موارد (شامل شانزده مورد) انطباق در سطح نامطلوب یا نسبتاً نامطلوب ارزیابی شده است؛ بنابراین، در مجموع می‌توان نوعی عدم توجه به بخش کلیات کتاب راهنمای تدریس را از سوی اکثریت دبیران استنباط نمود.

سؤال دوم پژوهشی: دبیران به چه میزان در سازماندهی فعالیت‌های یاددهی-یادگیری مطابق با فعالیت‌های توصیه شده در راهنمای تدریس عمل می‌کنند؟

در ارتباط با این سؤال، جداولی به شرح زیر طراحی و نتایج آنها تجزیه و تحلیل شد: درس چهارم: ده جدول و مجموعاً شامل ۶۸ گویه؛ درس پنجم: چهارده جدول و مجموعاً شامل ۷۹ گویه؛ درس ششم: هفده جدول و مجموعاً شامل ۹۴ گویه؛ بنابراین، در مجموع در پاسخ به سؤال دوم پژوهش، برای سه درس چهارم، پنجم و ششم کتاب «دین و زندگی» پایه سوم متوسطه، ۴۱ جدول با تعداد ۲۴۱ گویه طراحی گردید و نتایج آنها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که این جداول و یافته‌های مفصل مربوط به آنها در گزارش اصلی موجود است، اما به دلیل حجم زیاد کار رعایت اختصار فقط به درج یک جدول از مرحله «آماده‌سازی و ایجاد انگیزه» از درس چهارم اکتفا گردید. سپس اهم یافته‌های حاصل از دیگر جداول، به طور خلاصه بیان شدند.

جدول ۵: خلاصه نتایج مربوط به آماده‌سازی و ایجاد انگیزه

عنوان فعالیت	شواهد کافی مشاهده شد	شواهد کمی مشاهده شد	شواهدی مشاهده نشد	ارزیابی استاندارد	ارزیابی سهل‌گیرانه
توضیح معلم درباره نیاز پیامبران به معجزه و بینه	۳۸/۴	۱۲/۶	۴۹	+	-
معنا کردن و تعریف کردن مناسب کلمات بینه و معجزه	۱۴/۷	۰	۸۵/۳	--	--
توزیع تعدادی کتاب قرآن کریم توسط دبیر در بین دانش‌آموزان	۰	۰	۱۰۰	--	--
پرسیدن برخی از مشخصات قرآن توسط دبیر از دانش‌آموزان	۰	۰	۱۰۰	--	--
قرار دادن اطلاعاتی در مورد قرآن در اختیار دانش‌آموزان توسط دبیر	۱۶/۶	۰	۷۳/۴	--	--
نوشتن دو سؤال مقدمه درس توسط دبیر بر روی تخته سیاه	۰	۰	۱۰۰	--	--

یافته‌های فوق حاکی از آن است که براساس ارزیابی استاندارد و سهل‌گیرانه، با توجه به مشاهدات انجام‌گرفته، میزان انطباق فعالیت‌های دبیران در توضیح «نیاز پیامبران به معجزه و بینه»، با توصیه‌های کتاب راهنمای تدریس در حد «نسبتاً نامطلوبی» بوده و در سایر موارد فعالیت‌های دبیران با توصیه‌های کتاب راهنمای تدریس، در حد «نامطلوبی» بوده است.

براساس ارزیابی استاندارد و سهل‌گیرانه، در مشاهدات انجام شده در رابطه با مؤلفه سازماندهی فعالیت‌های یاددهی-یادگیری، در موارد بسیار زیادی که در ارتباط با سه درس چهارم، پنجم و ششم مورد مشاهده قرار گرفتند، در بیشتر آیت‌ها، میزان انطباق فعالیت‌های دبیران و دانش‌آموزان

براساس ارزیابی استاندارد و حتی سهلگیرانه با توصیه‌های کتاب راهنمای تدریس در حد مطلوبی نبوده است و بلکه بیشتر در حد نسبتاً نامطلوب و یا نامطلوب بوده است.

و نیز، براساس ارزیابی استاندارد و نیز سهلگیرانه، از بین موارد بسیار زیادی که در ارتباط با سه درس فوق مورد مشاهده قرار گرفتند، میزان انطباق فعالیت‌های دبیران با توصیه‌های کتاب راهنمای تدریس، فقط در رابطه با مواردی مانند قرائت آیات در مرتبه اول و دوم، توجه به تلفظ صحیح آیات و تصحیح تلفظ نادرست آیات قرائت شده از سوی دانش‌آموزان، مطرح کردن یک سؤال برای دانش‌آموزان در رابطه با اندیشه و تحقیق، انجام فعالیت‌بخشی از تدریس درس پنجم (تبیین دلیل سوم بر ضرورت تشکیل حکومت اسلامی)، مطرح کردن دو پیشنهاد اول و دوم در درس چهارم، با توصیه‌های کتاب راهنمای تدریس در حد مطلوبی بوده است و در بقیه موارد، میزان انطباق در حد مطلوبی نبوده است؛ همچنین، میزان انطباق مشارکت دانش‌آموزان براساس ارزیابی استاندارد، فقط در دو مورد (مشارکت دانش‌آموزان در گوش کردن به قرائت قرآن و زمزمه کردن آیات همراه با دبیر) با توصیه‌های کتاب راهنمای تدریس در حد مطلوبی بوده و در بقیه موارد، پایین‌تر از حد مطلوب بوده است.

با توجه به یافته‌های پیش گفته، می‌توان نتیجه گرفت که دبیران «دین و زندگی» سال سوم متوسطه در ارتباط با مؤلفه سازماندهی فرایند یاددهی-یادگیری، از توصیه‌های کتاب راهنمای تدریس در فرایند تدریس خود استفاده چندانی به عمل نیاوردند.

سؤال سوم پژوهشی: دبیران درس «دین و زندگی» پایه سوم متوسطه، به چه میزان از تمهیدات توصیه شده در کتاب راهنمای تدریس استفاده می‌کنند؟

در ارتباط با این سؤال، سه جدول برای دروس چهارم، پنجم و ششم کتاب «دین و زندگی» پایه سوم متوسطه؛ همانند جدول درس چهارم که در ذیل موجود است، طراحی گردید که پاسخ‌های دبیران به سؤالات مطرح شده در ارتباط با مؤلفه تمهیدات را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. به دلیل حجم زیاد کار فقط به درج جدول درس چهارم و اهم یافته‌های این سه جدول اکتفا گردید. دو جدول دیگر و یافته‌های مفصل مربوط به سه جدول فوق در گزارش اصلی موجود است.

جدول ۶: خلاصه نتایج مربوط به ارزیابی فعالیت‌های دبیران در مؤلفه تمهیدات در درس چهارم

عنوان سؤال	پاسخ کامل	نسبتاً کامل	نادرست یا عدم پاسخ	ارزیابی استاندارد	ارزیابی سه‌لگیرانه
آگاهی از مفهوم تمهیدات	۰	۱۱/۲	۸۸/۸	- -	- -
آگاهی از دانستنی‌های ضروری برای تدریس درس	۲۲/۲	۰	۷۷/۸	- -	- -
استفاده از دانستنی‌های توصیه شده در تدریس	۲۲/۲	۰	۷۷/۸	- -	- -
آگاهی از منابع توصیه شده برای تدریس این درس	۰	۰	۱۰۰	- -	- -
استفاده از منابع توصیه شده برای تدریس این درس	۰	۰	۱۰۰	- -	- -

یافته‌های فوق حاکی از آن است که براساس ارزیابی استاندارد و حتی سه‌لگیرانه، در مصاحبه‌های انجام شده با دبیران در رابطه با بخش کلیات، میزان انطباق پاسخ‌های دبیران در همه موارد بیان شده با توصیه‌های کتاب راهنمای تدریس در حد نامطلوبی بوده است.

در درس پنجم، براساس ارزیابی استاندارد، در مصاحبه‌های انجام شده با دبیران در رابطه با بخش کلیات، میزان انطباق پاسخ‌های دبیران در همه موارد مربوط به این بخش، با توصیه‌های ارائه شده در کتاب راهنمای تدریس، در حد نامطلوبی بوده است.

همچنین، براساس ارزیابی سه‌لگیرانه در مصاحبه‌های انجام شده با دبیران در رابطه با مؤلفه تمهیدات، میزان انطباق پاسخ‌های دبیران با توصیه‌های کتاب راهنمای تدریس در موارد آگاهی از مفهوم تمهیدات، در حد نسبتاً نامطلوب و در بقیه موارد در حد نامطلوبی بوده است.

در درس ششم، براساس ارزیابی استاندارد و سه‌لگیرانه، در مصاحبه‌های انجام شده با دبیران در رابطه با بخش کلیات، میزان انطباق پاسخ‌های دبیران در همه موارد مربوط به این بخش، با توصیه‌های ارائه شده در کتاب راهنمای تدریس، در حد نامطلوبی بوده است.

همان‌طوری که ملاحظه می‌شود، در همه موارد ( $n=18$ )، نتیجه ارزیابی نامطلوب یا نسبتاً نامطلوب است؛ بنابراین، عدم توجه به مؤلفه تمهیدات کتاب راهنمای تدریس، از سوی اکثریت مطلق دبیران استنباط می‌شود.

سؤال چهارم پژوهشی: نظرات دبیران درس «دین و زندگی» پایه سوم متوسطه در رابطه با میزان مطلوبیت و استفاده از کتاب راهنمای تدریس چیست؟

برای پاسخ به این سؤال پژوهشی از ابزار مصاحبه با دبیران استفاده شد. یافته‌ها حاکی از آن بود که در مجموع، بیشتر دبیران آگاهی بسیار کمی از کتاب راهنمای تدریس دارند و به میزان اندکی به این کتاب مراجعه می‌کنند؛ به طوری که حدود نیمی از دبیران اذعان دارند که هیچ‌گونه استفاده‌ای از کتاب راهنمای تدریس نمی‌کنند. عمده‌ترین دلایل این گروه مبنی بر عدم استفاده از این کتاب، احساس بی‌نیازی به کتاب راهنمای تدریس (کاربرد نداشتن راهنمای معلم در موقعیت‌های

واقعی) و در دسترس نبودن این کتاب بود. از دیدگاه دبیران، مؤلفان این کتاب از فضای حاکم بر کلاس درس آگاهی کاملی ندارند و بسیاری از توصیه‌های ارائه شده در این کتاب را نمی‌توان در هنگام تدریس در کلاس درس اجرا کرد؛ به بیان دیگر، این دبیران نقاط ضعف کتاب راهنمای تدریس را در ایده‌آلی بودن توصیه‌های کتاب راهنمای تدریس، قابل اجرا نبودن این توصیه‌ها به دلیل کمبود امکانات و روحیات خاص دانش‌آموزان می‌دانستند.

در مقابل، حدود نیمی از دبیران معتقد بودند که توصیه‌های کتاب راهنمای تدریس، کاربردی و مفید می‌باشد؛ زیرا محتوای این کتاب، توصیه‌های فعالیت‌محور و بسیار مفیدی را ارائه کرده است که می‌تواند برای معلمان این درس بسیار مفید و کاربردی باشد و منجر به حل بسیاری از مشکلات تدریس و درنهایت، موجب یادگیری مطلوب شود؛ اما در عین حال، یافته‌های سؤالات پیشین نشان داد که اکثریت مطلق دبیران، عملاً توصیه‌های راهنمای تدریس را به کار نمی‌گیرند؛ یعنی دبیرانی که به لحاظ نظری دیدگاه مثبتی نسبت به کتاب راهنما ابراز می‌دارند، نیز چندان به توصیه‌های کتاب در مراحل مختلف تدریس توجهی نداشته‌اند!

### تفسیر و باهم‌نگری یافته‌ها

یافته‌های این تحقیق نشان داد که در مجموع، میزان انطباق فعالیت‌های دبیران و بالتبع، مشارکت دانش‌آموزان در بیشتر قسمت‌های هر یک از سه مؤلفه (کلیات، سازماندهی فعالیت‌های یاددهی - یادگیری و تمهیدات) در حد قابل قبول و مطلوبی نبوده است و انطباق بسیار اندکی بین فرایند تدریس دبیران (برنامه درسی اجرا شده) با فرایند تدریس توصیه شده در کتاب راهنمای تدریس (یا همان برنامه درسی قصده شده) وجود داشت.

به طور کلی، یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش‌های انجام شده در رابطه با مقایسه برنامه درسی قصده شده و اجرا شده؛ مانند پژوهش‌های اخلاقی (۱۳۸۳)، احمدی (۱۳۸۰)، صادقی (۱۳۸۹) و بکالو و ولفورد (۲۰۰۰) که نتایج همه این پژوهش‌ها حاکی از عدم انطباق و عدم هماهنگی کامل برنامه درسی قصده شده با برنامه درسی اجرا شده می‌باشد، همخوانی و مطابقت دارد.

روشن است که نوع عملکرد دبیران «دین و زندگی» پایه سوم متوسطه در تدریس این درس و همچنین، دیدگاه‌های آنها در رابطه با کتاب راهنمای تدریس که در پژوهش حاضر به آن پرداخته شد، به هیچ‌وجه مدّ نظر برنامه‌ریزان، مؤلفان این درس و کتاب راهنمای تدریس نبوده است و هدف برنامه‌ریزان از تغییر، دگرگونی اساسی در فرایند تدریس این درس و تغییرات اساسی در روش‌های

تدریس دبیرانی که از شیوه‌های غیرفعال و سنتی استفاده می‌کنند، بوده است؛ به دیگر سخن، هدف در برنامه قصد شده این بوده است که دبیران با مطالعه و بررسی محتوای این کتاب و به کارگیری درست توصیه‌های ارائه شده در این کتاب، تغییرات اساسی در روش‌های تدریس، فضا و موقعیت مطلوب یادگیری به وجود بیاورند و با استفاده از توصیه‌های ارائه شده در این کتاب که فعالیت‌محور و مشارکت‌طلب می‌باشد، موجب مشارکت فعال دانش‌آموزان در فعالیت‌های مربوط به این درس شوند تا در نتیجه یادگیری مطلوب در دانش‌آموزان محقق شود و نیل به اهداف تربیت دینی میسر شود، اما در عمل این امر میسر نشده است.

ذکر این نکته ضروری است که ممکن است از نظر برخی صاحب‌نظران موضوع عدم انطباق (یا عدم توجه به توصیه‌های برنامه‌ریزان) یک مسئله (مشکل) تلقی نگردد؛<sup>۱</sup> بنابراین، قبل از نتیجه‌گیری نهایی از یافته‌ها لازم است بحث مذکور در زیر منقح شود:

از نظام کنونی برنامه‌ریزی درسی ایران به عنوان نظام برنامه‌ریزی متمرکز یاد می‌شود و بسیاری از کاستی‌های نظام آموزشی ما به آن نسبت داده می‌شود و برخی صاحب‌نظران شکست‌های موجود در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و عدم موفقیت در تحقق اهداف آموزشی و درسی را از پیامدهای نظام متمرکز قلمداد می‌کنند. این گروه معتقدند که در نظام برنامه‌ریزی متمرکز کشورمان؛ مدارس، مسئولان منطقه‌ای و معلمان، فاقد اختیار قانونی برای تغییر و اصلاح برنامه‌های درسی هستند و در نتیجه، مدارس این امکان را ندارند که با بررسی نیازهای دانش‌آموزان در سطح مدرسه در برنامه‌های درسی دخل و تصرف کنند؛ به عبارت دیگر، اگر نظام برنامه‌ریزی درسی در کشور ما غیرمتمرکز باشد، معلمان آزادی عملی بیشتری خواهند داشت و می‌توانند در فرایند برنامه‌ریزی درسی مشارکت داشته باشند و از روش‌های تدریس و فعالیت‌های گوناگون در تدریس استفاده کنند.

بر این اساس، در فرض مزبور فضایی برای معلمان فراهم می‌شود که می‌توانند از خلاقیت‌ها و استعداد‌هایشان در جهت تحقق یادگیری مطلوب و تحقق اهداف آموزشی و درسی، به نحو بهتری استفاده کنند؛ بنابراین، لازم است تا اقدامات لازم در جهت افزایش مشارکت معلمان در برنامه‌ریزی درسی صورت گیرد تا باعث افزایش اعتماد به نفس معلمان و افزایش مسئولیت‌پذیری آنان در قبال تحقق اهداف برنامه درسی و تحقق یادگیری مطلوب در دانش‌آموزان شود.

با توجه با مطلب فوق، سؤال مهمی که می‌تواند در ارتباط با پژوهش حاضر مطرح شود این است که اصولاً تأکید بر انطباق فرایند تدریس معلمان با کتاب راهنمای تدریس، امر مطلوبی

۱. و حتی مزیت تدریس دبیران درس «دین و زندگی» - نشانه خلاقیت - محسوب شود.



است؟ به بیان دیگر، آیا آنچنان که در این پژوهش مطرح شد - استفاده دبیران از توصیه‌های کتاب راهنمای تدریس - که می‌تواند به نوعی به منزله یکی از نشانه‌های تأیید نظام برنامه‌ریزی درسی متمرکز تلقی شود، خود مانع از نوآوری و خلاقیت معلمان در استفاده از روش‌های تدریس متنوع و اثربخش تر نیست؟

هرچند معایب برنامه درسی متمرکز و تأثیر منفی آن بر جایگاه و نقش معلم، مورد تأیید بیشتر صاحب‌نظران و پژوهشگران حوزه برنامه درسی و تدریس است، اما در جریان انجام پژوهش حاضر به وضوح مشاهده شد که تمام دبیرانی که از کتاب راهنمای تدریس استفاده نمی‌کردند، به همان شیوه سنتی (با سخنرانی و گچ و تخته‌سیاه و...) تدریس می‌نمودند و خلاقیت خاصی در استفاده از روش‌های تدریس فعال - حداقل در سطح فرایندهای تدریس توصیه شده در کتاب راهنمای تدریس از نظر فعالیت محور بودن - در بین دبیران مشاهده نشد و برعکس، در قسمت‌های اندکی از فرایند تدریس که دبیران مطابق با توصیه‌های کتاب راهنمای تدریس به ارائه درس می‌پرداختند، هم روش تدریس آنها فعال‌تر بود و هم مشارکت دانش‌آموزان در جریان یادگیری بیشتر می‌شد؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که استفاده مؤثر از توصیه‌های کتاب راهنمای تدریس در شرایط فعلی که بسیاری از معلمان براساس عادات و عرف معلمی در کشورمان و شاید براساس نوع تربیت و کارآموزی‌هایشان از شیوه‌های تدریس ناکارآمد استفاده می‌کنند، می‌تواند راهنمای مؤثری در فعال‌سازی فرایند تدریس باشد.<sup>۱</sup>

تذکر نهایی آنکه با توجه به نقش معلمان در برنامه درسی اجرا شده، بدون تردید معلمان عاملانی اساسی در موفقیت برنامه درسی هستند (بانت‌وینی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰، ص ۸۹) و پیشینه تغییرات نشان داده است که ناسازگاری و عدم تناسب بین اصول قصد شده برنامه درسی و باورهای معلمان سبب ایجاد شکاف بین اصول قصد شده و اصول اجرا شده تغییرات می‌گردد که نهایتاً مانعی بر سر راه اجرای برنامه‌های درسی شده است (ارافی و بورگ<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹، ص ۲۴۴ و نیز: پارسا، ۱۳۸۶، ص ۱۰۹).

فتحی و اجارگاه (۱۳۸۶) یکی از دلایل مهم ناکارآمدی، شکست و ناکامی تغییرات چندساله

۱. فتحی و اجارگاه می‌گویند: «در صورتی که معلمان مدارس از پیشینه تجربی و علمی خوبی برخوردار باشند و صلاحیت‌های لازم برای تصمیم‌گیری درخصوص نحوه تدریس برنامه درسی را دارا باشند، برنامه‌ریزان درسی باید از تعیین جزئیات امر تدریس خودداری نموده و آن را به معلمان واگذارند؛ درعوض، اگر معلمان از صلاحیت‌های تجربی و علمی خوبی برخوردار نباشند، تعیین پیشاپیش جزئیات تدریس باید توسط برنامه‌ریزان درسی صورت پذیرد (۱۳۸۶، ص ۱۲۹).

2. Bantwini, Bongani D.

3. Orafi, S. and Borg, S.

نظام آموزشی را ناهمدلی و ناسازگاری معلمان می‌داند. از دیدگاه وی تغییرات را کسانی طرح‌ریزی می‌کنند که با فضای کلاس درس و میدان عمل فاصله دارند و از شرایط و مقتضیات محیط اجرا آگاهی کامل ندارند و به همین دلیل، تصور می‌کنند که ایده‌ها، طرح‌ها و پیشنهادهايشان برای تغییرات، عملی می‌شود و حال آنکه در عمل، به دلیل این فاصله و در نظر نداشتن شرایط مجری - یعنی معلم و استفاده‌کننده اصلی که دانش‌آموز است - ناکامی عارض می‌شود. معلمان آن قدر در اجرا و اعمال موفق تغییر مهم هستند که باورها و نگرش‌های آنان نیز باید در کنار آگاهی‌هایشان از اهداف برنامه‌های درسی و تغییر برنامه درسی در نظر گرفته شود؛ بنابراین، همان‌گونه که فولن (۱۹۸۵، ص ۳۲۳) بیان می‌کند: تغییرات قصد شده همیشه به تغییرات واقعی در عمل منتهی نمی‌شوند؛ چرا که عواملی در کلاس درس و محیط آموزشی هستند که بر میزان این تغییر تأثیر گذارند.

به نظر می‌رسد که ناکامی‌های مکرر برنامه‌ریزان درسی دلسوز در حیطه تربیت دینی اخلاقی در مسیر تحقق اهداف مقدس، به‌رغم ایجاد حداقل پنج نسل تحول در کتاب‌های درسی (رک: سعیدی رضوانی و باغلی، ۱۳۸۹) را می‌توان به بی‌توجهی به نقش منحصر به فرد معلم دینی ارتباط داد؛ بنابراین، تنها پیشنهاد پژوهش حاضر، توجه ویژه به تربیت، گزینش و آموزش ضمن خدمت و بهره‌گیری واقعی - و نه صوری - از مشارکت دبیران درس خطیر «دین و زندگی» است.

## منابع

- احمدی، غلامعلی (۱۳۸۰)، «بررسی میزان همخوانی و هماهنگی بین سه برنامه درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده در برنامه جدید آموزش علوم دوره ابتدایی»، فصلنامه تعلیم و تربیت، ش ۸۳، ص ۵۲-۹۲.
- اخلاقی، مرتضی (۱۳۸۳)، «بررسی میزان هماهنگی و همخوانی برنامه درسی قصد شده و اجرا شده مطالعات اجتماعی سال اول دبیرستان‌های شهر تهران در سال تحصیلی ۸۴-۸۳»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- اسلامیان، حسن؛ فاتحی، یونس؛ سعیدی رضوانی، محمود (۱۳۹۰)، «مقایسه اثربخشی روش‌های تدریس بحث گروهی و سخنرانی بر میزان یادگیری و میزان رضایت دانش‌آموزان از تدریس، در درس دین و زندگی سال سوم متوسطه»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی تحول بنیادین در نظام برنامه درسی ایران، ص ۵۳۴-۵۴۲.
- پارسا، عبدالله (۱۳۸۶)، «بررسی نگرش و تمایلات رفتاری معلمان در مورد پیشبرد برنامه‌های درسی جدید درسی»، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، س ۱، ش ۴، ص ۱۰۳-۱۳۸.
- راستگو، اعظم (۱۳۸۳)، «بررسی میزان استفاده معلمان از روش تدریس مبتنی بر پرورش مهارت‌های حل مسئله در درس علوم پایه چهارم ابتدایی منطقه ۶ شهر تهران در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- رجبلو، قاسم (۱۳۷۵)، «بررسی ویژگی‌های روش تدریس دبیران علوم انسانی سال دوم متوسطه نظری نظام جدید در منطقه ۶ آموزش و پرورش شهر تهران از دیدگاه دانش‌آموزان در سال تحصیلی ۱۳۷۴-۱۳۷۵»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- رعیت رستمی، محمدرضا (۱۳۷۶)، «بررسی موانع بهره‌گیری از کتب روش‌ها و فنون تدریس دروس فارسی، علوم تجربی، ریاضی در فرایند تدریس از دیدگاه آموزگاران و مدیران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- رهبری‌نژاد، یدالله (۱۳۷۳)، «بررسی شیوه‌های تدریس کتب فرهنگ اسلامی و تعلیمات دینی مقطع ابتدایی و مقایسه آن با روش تدریس فعال در مدارس شهر تهران، سال تحصیلی ۷۲-۷۳»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- سادات، محمدعلی (۱۳۷۳)، اهداف درس بینش اسلامی دوره متوسطه (سند منتشر نشده)، مرکز

منابع برنامه‌ریزی درسی، وزارت آموزش و پرورش.

سعیدی رضوانی، محمود؛ باغگلی، حسین (۱۳۸۹)، نقدی بر روش‌های تربیت دینی با تأکید بر برنامه درسی پنهان، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

صادقی اول، نسرین (۱۳۸۹)، «بررسی وضعیت برنامه درسی اجرا شده در درس ریاضیات پایه چهارم ابتدایی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

صحرانورد، مریم (۱۳۸۰)، «نقش استفاده از روش‌های فعال تدریس در علوم تجربی در پرورش روحیه پرسشگری- پژوهش و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.

علیزاد سردرود، اصل محمد (۱۳۸۷)، «بررسی روش‌های تدریس علوم در پایه پنجم ابتدائی شهر تبریز و ارائه راهکارهایی برای تدریس مناسب»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تحقیقات آموزشی، دانشگاه تهران.

فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۸۶)، اصول برنامه‌ریزی درسی، تهران: ایران زمین.

فولن، مایکل (۱۹۸۵)، تغییر برنامه درسی، در برنامه درسی: نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها، ترجمه احمدرضا نصر اصفهانی (۱۳۸۸)، ویراست دوم، چ ۲، مشهد: انتشارات به نشر.

قائد محمدی، محمدجواد (۱۳۸۵)، «تأثیر دو روش تدریس (سخنرانی و بحث گروهی) بر میزان دانش و نگرش دانشجویان درس جمعیت و تنظیم خانواده»، اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، ش ۵، ص ۹۷.

مهدی‌پور، عبدالرحمن؛ شفیعی‌نیا، پروانه؛ پرهام، غلامعلی و خانمحمدی، رحمت‌الله (۱۳۸۷)، «توصیف موانع اجرای روش‌های فعال تدریس تربیت بدنی از شناسایی و دیدگاه دبیران مرد و زن مدارس راهنمایی نواحی چهارگانه شهر اهواز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.

Bantwini, Bongani D. (2010), How teachers perceive the new curriculum reform: lessons from a school district in the eastern cape province, south Africa. *International Journal of Educational Development*, v. 30, n. 1, p.83-90.

Bekalo, S, welford, G. (2000), "practical activity in ethiopiaian secondary physical science:implication for policy and practice of the mach between the intrended and implemented curriclcm", *research papers in education*, v.15, n.2, p.185-212.

- Benjamin, I. (1991), *Teaching of psychology journal of American psychology*, 18(2), 68–74.
- Dixon, L. (2001), "Evidence-based practices for services to families of people with psychiatric disabilities", *Journal of social psychology*, v.71, p.302–3012.
- Gultekina, m. (2010), *Teachers and students' views on the teaching and learning process of the social studies course*. *Procedia Social and Behavioral Sciences* 2 (2010) 2744–2749.
- Hunt, D., Haidet, P., Coverdale, J., & Richards, B. (2003), "*The effect of using team learning in an evidence-based medicine course for medical students*", *Teaching and Learning in Medicine*, 15 (2): 131–139.
- Johnson, J., Mighten, A.(2005), *A comparison of teaching strategies: lecture notes combined with structured group discussion versus lecture only*. State University of New York Downstate Medical Center, College of Nursing. 44 (7): 319–22.
- Orafi, S. M. S. and Borg, S. (2009), "Intentions and realities in implementing communicative curriculum reform", *System: An International Journal of Educational Technology and Applied Linguistics*, v.37, n.2, p.243–253.
- Robert, J., Endorf, R., Kathleen, M. and Gregory, A. (2005), "A Preliminary Study of the Effectiveness of Different Recitation Teaching Methods", *Physics Education Research Conference 2005*, Part of the PER Conference series, Salt Lake City, 2005, v.818, p.89–92.
- Samuelsson. J., (2008), The impact of different teaching methods arithmetic and self regulated learning skills. *Educational Psychology in Practice*, v.24, n.Issue 3, 2008, p.237–250.
- Selby, G., Walker, V., Diwakar ,V., (2007), A comparison of teaching methods: interactive lecture versus game playing, Department of Paediatrics Paediatrics *Musgrove Park Hospital, Somerset, United Kingdom*. *Med Teach*, 29 (9): 972.
- Vall, E., (2007), relationship between teacher expectations of student ability and best practice teaching, *For the degree of doctor of philosophy in the college of education, physicaleducation. university of south Carolina.USA*.
- Wiersma, A. (2008), "A study of the teaching methods of high school history teachers". *Social Studies*, v.99, n.3, p.111–116.